



دکتر حسن انصاری
عضو هیئت علمی مدرسه مطالقات تاریخی دانشگاه پریشانتون

داستان یک زائر ادبی دینی

اعتقاد به وجود کرامت از اولیای دین، مخصوص تشیع نیست. درمیان اشاعره این اعتقاد شایع بوده است و در تصوف خراسان هم همان طور که می دانیم، موضوع کرامت صوفیه، زمینه بسیاری از داستان سرایی ها بوده است. در تشیع از دیرباز درباره امکان جاری شدن معجزات و کرامات از ائمه شیعه^(ع)، میان متکلمان اختلاف نظر بوده که بخشی از آن به تعریفی بازمی گشته که از معجزه به دست می آمده تشیع امامی، وجود کرامات و معاجز برای امامان شیعه، اعتقادی مسلط بوده و درباره

آن کتاب ها نوشته شده است، بنابراین اصل آن کم و بیش محل اتفاق عالمان شیعی بوده است؛ گرچه روایاتی را که مصادیق را تعیین می کرد، بیشتر طیف های اخباری نقل می کردند و در این میان، کتاب هایی غیرمعتبر در این زمینه تدوین شد.

با این وصف، از سده ششم قمری به بعد و با عمومی شدن جریان وعظ از یک سو و شیوع منقبت خوانی های صوفیه برای اولیای خود و داستان سرایی هایی که درباره کرامات و معاشخ وجود داشت و شایع شد، از دیگرسو، و همچنین به دلیل شکل گیری متقابل جریانات منقبت خوانی و فضایل خوانی میان سنیان و شیعیان به عنوان فرهنگی عمومی و عامه پسند، شیعیان هم در تقابل اهتمام بیشتری به نقل معجزات و تدوین آناری در این زمینه پیدا کردند که از مهم ترین نمونه های آن، خرائج راوندی و تاقب فی المناقب ابن حمزه طبری و اعلام الوری طبرسی و مناقب ابن شهر آشوب و نزهه الکرام رازی و کتاب های متعددی از عماد طبری بود.

بعدها در عصر صفوی، کسی چون سید هاشم بحرانی به این نوع ادبیات، بیشترین اهتمام را نشان داد و آثاری پربرگ تدوین کرد. شیخ حرعاملی هم کتابی مشابه درباره همین موضوع نوشت و علامه مجلسی نیز در بحار به گردآوری احادیث معاجز و دلائل همت کرد.

در آن دوره، شماری کتاب مجهول المؤلف و غیرمعتبر مانند عیون المعجزات و مناقب عتیق و آناری مشابه نیز آنجا و آنجا پیدا شد و بر حجم کتاب های جامع معجزات افزود. خود راوندی و ابن حمزه هم در سده ششم قمری، بیشتر منابعشان آثار معتبر شیعی امامی نبود و احادیث آنان بیشتر متکی بود بر کتاب های مجهول مانند دلائل الامامه، منسوب به ابن رستم طبری و اثبات الوصیه منسوب به مسعودی و از این قبیل کتاب ها.

طبعاً فقهیان شیعی، کمتر به این نوع کتاب ها اعتماد می کردند و در دوره غلبه کلام و فلسفه در عصر آل بویه و بعد در دوران مکتب خواجه طوسی و علامه حلی در حله، این قبیل نوشته ها کمتر محل عنایت بود. با این وصف حتی شماری از متکلمان هم گاه در بحث معجزات به این نوع احادیث استناد می کردند.

در آثار معتبر شیعی مانند کافی کلینی و آثار شیخ صدوق، تعداد این نقل ها کمتر است و جنبه های داستانی در آن ها در مقایسه با دوران بعد کمتر وجود دارد. گاهی در این میان، برخی نقل های اولیه در روایت ها و نسخه های بعدی تحریرهایی با روایات و پردازش های داستانی متفاوتی پیدامی شود که طبعاً به دلیل غلبه همان فرهنگ معجزه خوانی و فضیلت خوانی بود. این نقل ها و اهتمام به آن ها البته پاسخی به مشکلات تئولوژیک و مسئله غیبت امام در جامعه و بحران های اجتماعی و سیاسی جوامع کوچک شیعی در محیط های بزرگ تر سنی مذهب با هدف تأکید بر هویت شیعی و اعتماد بخشی به شیعیان هم بود.

با این وصف، در همین محیط می دانیم که میان طیف های مختلف علمای شیعه در قبال مسائل امامت، دو گرایش مهم و متقابل وجود داشت: عده ای به گرایش های غالبانه قدیم شیعه کم و بیش بی علاقه نبودند یا دست کم نقل مأثورات آن ها را در شرایطی، بی فایده نمی دیدند. عده ای در مقابل، سرسختانه در برابر این نوع تمایلات غالبانه، مقاومت نشان می دادند.

با ظهور دولت صفوی و ضرورت تأکید بر هویت شاعثاری شیعه، اهتمام به این روایات بیشتر شد و گروه نخست، دست برتر را یافت. ظهور مکتب اخباری هم تأثیر خود را در حدیث گرایی عالمان شیعی حتی در مسائل اعتقادی گذاشت و چنین شد که آثاری غیرمعتبر مانند کتاب های «رجب برسی» که بی تردید به مکتب غلات شیعی و سنت آنان وابسته بود و حتی برخی آثار نصیریبه مانند هدایه خصیبی، مورد اهتمام نویسندگان کتاب های معاجز و دلائل قرار گرفت. در دوره دوم عصر صفوی و تمام دوران قاجار این قبیل کتاب ها یا منقولات آن ها به فارسی ترجمه شد و اسباب نقل و مجلس خوانی را در مجالس وعظ و روضه خوانی و مدیحه سرایی فراهم کرد.

اندکی پیش و همچنین اندکی بعد از انقلاب اسلامی، از توجه به ادبیات معاجزی کاسته شد که دلایل خاص خود را داشت.

با این وصف، با گسترش شبکه های تلو یزیونی ماهواره ای و رشد روزافزون مجالس و دهه های مذهبی و مجالس روضه خوانی و مدیحه سرایی و تعداد مداحان و مدیحه سرایان و روضه خوانان و بر صدر نشستن شماری از آنان، دست کم یک دهه است که این گونه نقل ها در منابر، ظهور بی سابقه ای پیدا کرده و طبعاً به فراخور مخاطبان، نسخه های جدیدی از روایات قدیم به همراه نقل خواب ها و کرامات جدید به فریگی این ادبیات کمک کرده است. خب، مشکل اصلی باز برمی گردد به نبود فرهنگ نقد دینی و به ویژه به دلیل سیطره روحیه اخباری و حدیث گرایی غیرنقادانه. تعدادی از عالمان شیعی هم با آگاهی به اینکه این نوع نقل ها زمینه ای برای نقل و بحث مطالب مفید و اخلاقی در مجالس دینی و موجبات جذب مخاطب را فراهم می کند، در مجموع در برابر این دست مطالب، واکنشی نشان نمی دهند.

اما خب روشن است که نه تنها این نوع گرایش ها به شکل ناموزونی دیانت را به جنبه های عاطفی و احساسی و شعاعثی آن فرو می کا هد، بلکه مانعی فراهم می کند برای زمینه تفاهم و گفت وگو درباره جنبه های اصلی و معنوی تفکر دینی و تأملات نظری درباره حقوق و تکالیف اصلی از دیدگاه دینی، به ویژه برای مخاطبی که دیگر به هر نقل و ذکر روایتی، اعتماد نمی کند.



شبه
۲۳ دی ۱۴۰۲
ارשב ۱۴۴۵
شماره ۱۴۴۵

SHAHARANNEWS.IR



آندرسه

حسینی نژاد

در دوران امامت امام باقر^(ع) که نوزده سال طول کشید، جهان اسلام به لحاظ مبارزات فکری سیاسی موقعیت ویژه ای داشت. انحرافات سیاسی درقابل مقاصد فکری، خودنمایی می کرد و جریانات عقیدتی و فرقه ای به وجود آمده بود که را ه ائمه^(ع) اختلاف داشت. مرجعیت فکری همچون رهبری سیاسی معطل مانده و رویدادهای گوناگون و افکار درهم ریخته، زمینه هایی را فراهم ساخت تا عده ای، افکار دشمنی و تمایلات سیاسی خویش را در جامعه اسلامی مطرح کنند.

در این دوره، جهان اسلام به لحاظ گسترش قلمرو، حوادث سیاسی و اجتماعی، مبارزات فکری، رونق مباحث کلامی

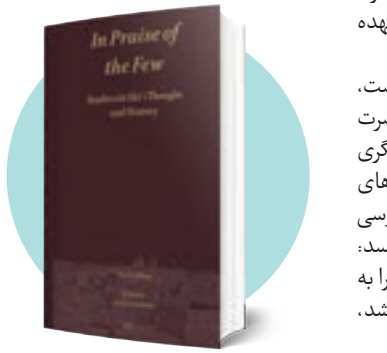


یهودی شیعه پژوه و پژوهش های امامت پژوهانه اش

پروفسور اتان کلبیرگ، متولد ۱۹۴۲ میلادی است و تحصیلات خود را در دانشگاه آکسفورد گذرانده است. موضوع پایان نامه دکتری او در دانشگاه آکسفورد، «نگرش تشیع امامی به صحابه پیامبر^(ص)» بود. زمینه اصلی تحقیقاتی کلبیرگ، منابع و نظریات و تاریخ شیعه و به ویژه تشیع امامی است. وی استاد زبان و ادبیات عرب مؤسسه مطالعات آسیایی آفریقایی دانشکده انسان شناسی دانشگاه عبری اورشلیم (بیت المقدس) است.

تدوین کرد». مهم ترین این آموزه ها از نگاه کلبیرگ عبارتند از:

- انتقال امامت از یک امام به امام بعدی به فرمان الهی که در نص صریح از جانب خداوند وحی شده است و پیامبر^(ص) و سپس هرامام به جانشین خود، اعلام می کند.
- تمام امامان از اولاد فاطمه زهرا^(ص) هستند.
- امامان دانش خاصی دارند که دیگران از آن بی بهره اند.
- امامان، ولایت مطلقه معنوی دارند و باید از ولایت مطلقه سیاسی نیز برخوردار باشند.
- هر بیان اعتقادی و فقهی ازسوی امام، سخن پیامبر^(ص) است که از طریق اجداد امام به او رسیده است.
- امام تحت شرایط خاصی، حفظ نفس از طریق تقیه را جایز دانست و در مواقع خطر برای جان انسان یا عضو بدن، تقیه را واجب می داند.
- از نظر کلبیرگ، امام با استدلال فردی (اجتهاد) مخالف بود و از نگاه امام، شاگرد ایده آل کسی است که بدون چون و چرا حکم امام را دریافت و منتقل سازد و از آن اطاعت کند و زواره را یکی از این افراد معروف می داند که در برخی مسائل کلامی، دیدگاه های مستقلی داشت.



تئیدگی میان تجدد، سیاست و فرهنگ

آنچه درباره تجدد، خواه در ایران، خواه در سرزمین های دیگر گفته شده است، گاه از منظر فرهنگ است و گاه از دیدگاه سیاست. اما بیشتر سخن از هنگامه درهم تنیده این دو است در پیوند با تجدد، از همین روست که نوشته هایی درباره «سیاست و حکومت در آمریکا» کنار مطالبی درباره «تحولات و موانع تجدد در ایران» نشسته است تا «کارنامه برخی از فرهنگ سازان» ایرانی با وسعت دید و فراخ نگری هرچه بیشتر سنجیده شود. کتاب «درباره تجدد، سیاست، فرهنگ» اثری تحلیلی است که تعامل و تئیدگی میان تجدد، سیاست و

نگاهی به دیدگاه مستشرقان در تحلیل جایگاه امام باقر^(ع) در عصر اموی

عصر روشنگری شیعه



امامان شیعه انجام شده است، سازگاری اندکی با حقیقت تشیع، باورها و تاریخ تشیع دارد؟ ازسوی دیگر، آنچه در جامعه علمی شیعیان به عنوان نقد شیعه پژوهی غرب صورت پذیرفته است، غالباً بر محور اظهارنظرها، استنتاجات، اهداف و انگیزه های پژوهشگر یا جریان وابسته بوده است که در این مسیر، خود نیز گرفتار افراط و تفریط شده اند. اما این مسئله کمتر بررسی شده است که «اسلام پژوهان یا شیعه پژوهان غربی» در مطالعه اسلام و تشیع، چه روشی را در پیش گرفته بودند که به چنین نتیجه و تحلیل هایی منتهی شده است؟ مادر این نوشته برآینم به بررسی آراء دو مستشرق نام آشنا شیعه شناسی که در زمینه شناخت اندیشه های امام باقر^(ع) قلم زده اند، پیردازیم.

خاورشناسان به آن توجه ویژه کرده اند. اولین موضوعاتی که خاورشناسان درباره امامان شیعه به شکل اختصاصی بررسی کرده اند، در مقالات دایره المعارف اسلام با کتاب مذهب شیعه دونالدسون گردآوری شده است. اما شیعه پژوهی جدی و به تبع آن، امام پژوهی غربیان پس از انقلاب اسلامی ایران، رشد چشمگیری یافت. در این مدت نه چندان طولانی، خاورشناسان، در مجامع علمی، آثار و تحلیل های مختلف و گاه ناهم سویی درباره تاریخ و اعتقادات شیعه مطرح کرده اند که قدر مشترک بیشتر آنان عبارت است از: ناهمخوانی با حقیقت تشیع و باورهای شیعی. حال پرسش اصلی این است که با وجود ادعای روشمندی پژوهش های غرب، چرا دستاورد و پیام اصلی پژوهش های آنان که با هدف معرفی تشیع، آموزه ها و



پژوهشی همدلانه در شناخت امام باقر^(ع)

آرژینا، لالائی محقق مدعور مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن است. وی دکتری خود را در سال ۱۹۸۸ از گروه مطالعات عربی و خاورمیانه دانشگاه ادینبورگ دریافت کرد. او که قبلاً بورسیه پژوهشی میهمان مؤسسه ۱۹۹۹-۲۰۰۰ را دریافت کرده بود، درحال حاضر همکار پژوهشی مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن است. او متخصص در ادبیات عرب اولیه و قرون وسطی است. اثر او، «اندیشه های اولیه شیعی: تعالیم امام محمد باقر (لندن، ۲۰۰۰)»، برنده جوایز معتبر ادبی در لندن و ایران شد.

هیچ گاه از بین نفت، بلکه همیشه زنده ماندن برای بسیاری از حاضران سقیفه، علی^(ع) افضل یاران رسول...^(ص) بود که هم نسبت نزدیک تری با پیامبر^(ص) داشت و هم در بسیاری از غزوات و جنگ های صدر اسلام، سپهسالار بود و این موضوع در جامعه قبیله ای و متعصب عرب، معنای ویژه ای داشت. در فصول بعدی، نویسنده می گوشت بستر اجتماعی و معرفتی عصر بعد از عاشورا را ترسیم کند که منجر به تحولات سیاسی اجتماعی و فکری عقیدتی مهمی در کلیت جامعه اسلامی شد و ظهور گروه های شیعی چون زیدیه که قائل به امامی انقلابی و شمشیر به دست بودند، کیسانیه که از پیروان مختار و محمد بن حنفیه بودند، خوارج که سنت سیاسی خاصی را می پسندیدند و خطای امام مسلمین را منجر به ارتداد وی می دانستند، مرجه که نقطه مقابل خوارج بودند و با دوری از هرگونه داوری اخلاقی و سیاسی درباره رفتار و اعمال خلق، نوعی اعتزال سیاسی را پیش نهاد می کردند.

نویسنده، دلایلی را در تأیید موفقیت تلاش های امام محمد باقر^(ع) یادآوری می کند؛ نخست وجود پیروان گسترده که حامی دستگاه فکری منسجم و مستدل وی شدند و دیگر، پرورش امام جعفر صادق^(ع) که نظریه امام محمد باقر^(ع) را در ابعاد مختلف، بسط و گسترش داد و بنیان یکی از فرق مهم اسلامی را براساس آن استوار ساخت.



ایران را نیز بررسی می کند. میلانی با استفاده از مثال ها و مطالعات موردی، نشان می دهد که چگونه تجدد توانسته است در ابعاد مختلف جامعه ایرانی نفوذ و تغییراتی اساسی ایجاد کند. کتاب همچنین به بررسی تجربه های تجدد در کشورهای دیگر می پردازد و با مقایسه هایی بین ایران و دیگر کشورها، به خواننده امکان می دهد که درکی جامع تر از مفهوم تجدد و پیامدهای جهانی آن داشته باشد. این کتاب با ارائه تحلیل های دقیق و بیسش های عمیق، به خوانندگان کمک می کند به درک بهتری از تاریخ معاصر ایران و جایگاه آن در جهان مدرن دست یابند.

فرهنگ را روشگافی می کند با تمرکز خاص بر تجربه تجدد در ایران. این کتاب که نوشته عباس میلانی، از صاحب نظران برجسته در زمینه مطالعات ایران است، به خوانندگان، دیدگاهی عمیق درباره تأثیر تجدد بر فرهنگ و سیاست ایرانی ارائه می دهد. اثر یاد شده، شیوه تعامل میان سنت و مدرنیته را بررسی می کند و نشان می دهد که چگونه این دو مفهوم در تاریخ ایران به هم پیوسته اند. میلانی تأکید می کند که تجدد در ایران نه به معنای رد کامل سنت ها، بلکه به معنای تطبیق و تلفیق آن ها با شرایط و نیازهای جدید است. علاوه بر تحلیل تاریخی، کتاب حاضر، تأثیر تجدد بر حوزه های سیاسی و فرهنگی